



﴿خَطَابَةٌ﴾

بیانات آقاي اخوت باموضوع جهاد، پنجشنبه ۵ اسفند (قسمت دوم)



خود نظام ولایت، برپا شود. شبیه این کار را امام خمینی (ره) انجام داد. پس یک نوع جهاد داریم که ولایت را احیاء می کند، مثل ولایت فقیه. و یک نوع جهاد هم داریم که از ولایت فقیه حمایت کرده و منویاتش را اجرا می کند. در واقع سردار حمایت از جهاد ولایی، حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) هستند. در واقع ایشان، هم سردار بودند و هم در ادامه راهشان، همه اهل بیت (علیهم السلام) به ایشان تاسی کردند و دلیل جهاد ولایی شان، ایشان (علیها السلام) حجت بر همه اهل بیت (علیهم السلام) شدند. این نکته ای است که ما را به حضرت زهرا (علیها السلام) نزدیک می کند. بر همین اساس، جهاد فاطمی برای اصل ولایت بود اما مثلاً جهاد حسینی، برای اصل دین بود به این دلیل که در دین اسلام یک تحریف اساسی داشت اتفاق می افتاد. پس در این ایام فاطمیه که منسوب به حضرت زهرا (علیها السلام) است روی این موضوع فکر کنیم. کاربردی کردن عزای حضرت زهرا (علیها السلام) در صیانت از اصل موضوع ولایت است. یعنی اگر کسی بخواهد «فاطمی» باشد باید روی اصل موضوع ولایت سینه سپر کند و در واقع مقر و مکان جهادش را اصل ولایت قرار دهد. نباید نسبت به اصل ولایت بی تفاوت بود. حالا یک وقت ممکن است اصل موضوع ولایت، لازمه اش این شود که کارهای علمی یا اقتصادی و... انجام گیرد. یعنی جهاد برای موضوع اصل ولایت، منبع و منشأ انواع جهادها می شود. منظورمان هم از ولایت، دقیقاً ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) و ولایت فقیه است و نباید از هم منقطع شوند. اگر کسی ولایت فقیه را حذف کند، شبیه کسانی می شود که در یک زمانی می گفتند ما فقط تا امام زین العابدین (علیه السلام)، امام را تشخیص دادیم، پس زیدی مسلک هستیم. بعضی ها گفتند ما تا امام رضا (علیه السلام) را تشخیص دادیم و فرقه دیگری شدند. ما نمی توانیم این حرفها را بزنیم. حتماً باید بگوییم شیعه دوازده امامی ولایت فقیهی هستیم. به این رویکرد، دفاع از حریم ولایت و جهاد در این راه می گویند. نمی توانیم بگوییم دوازده امامی هستیم اما با باقی اش کاری نداریم! اقتضائات صیانت از ولایت فقیه را باید بتوانیم بشناسیم و بر اساس آن عمل کنیم. محورهایی که ولی فقیه تأکید دارد باید منبع فکری ما باشند و بر اساس نظر او و طبق نقشه ای که او ترسیم می کند، افق و چشم انداز تعریف کنیم.

برای اینکه اصل ولایت را حفظ کنیم باید از منویات ولی صیانت کنیم. این امر دو سود دارد، چون هم مانند مجاهد هشت سال دفاع مقدس و هم مانند مجاهد فاطمی می شویم. یعنی این نیت دو خاصیت را در ما ابقاء کرده و ما را در عمل هم قوی تر می کند.

یعنی مثلاً یک وقت می گوییم ما منویات ولی را عمل می کنیم، می پرسند یعنی چکار می کنید؟ می گوییم مثلاً اقتصاد مقاومتی را فعال می کنیم چون نیاز جامعه است. اما یک وقت دیگر، می گوییم اقتصاد مقاومتی را از آن جهت تقویت می کنیم که اصل ولایت زمین نخورد و این باوری قوی تر است.

بخش دوم: گزارش از مجمع مدارس و توصیه ها

نکته اول: در دو سه هفته گذشته توفیق برگزاری همایشهای سوره مبارکه نصر و دوره های رشد (خروجی ترم روشهای تدبیر قرآن به قرآن) را داشتیم. اگر دوستان سعی کنند تا موضوع همایش اهمیت پیدا کند، کار بسیار مجاهدانه ای است. از این جهت که همایشها در حکم مانور هستند و ما در مانورها اسلحه های فرهنگی مان (تولیدات) را آزمایش می کنیم. در عرصه کار فرهنگی احتیاج به مانور داریم، در غیر این صورت بعد از مدتی می بینیم همه داریم مثلاً کلیپ می سازیم در حالیکه مخاطب اصلاً کلیپ دوست ندارد یا همه هزینه ها را یک سمت می بریم اما مخاطب سمت دیگری می رود. اگر همایش نداشته باشیم ذائقه مخاطب را به دست نمی آوریم. کسانی که با زحمت دارند این همایشها را برپا می کنند، کار بزرگی انجام می دهند و مدرسه به این افراد خیلی مدیون است. به این خاطر که کار اجرایی سخت است و افراد از درس و زندگی شان می زنند تا یک همایش را اقامه کنند. امیدواریم همه همراهی بکنند، حداقل بیایند ببینند چه چیزهایی روی چه کسانی اثر دارد، یعنی ذائقه سنجی کنند چون اگر این کار را نکنیم در نظام آموزشی خود حتماً دچار اختلال می شویم. به واسطه همایش می شود فهمید که تا چند سال دیگر مدرسه قرآن باید چه کارهایی را انجام دهد؟ دو همایش اخیراً ثمرات خوبی در دانشگاه گذاشت. اگر ما به دانشگاه ورود پیدا نکنیم دشمن کم جلو می آید و تنها ورود قرآن، سبب عقب نشینی آنها می شود. دانشگاه تهران مثل خط مقدم عرصه ی فرهنگ است. در وزارت علوم و آموزش عالی، گویی دانشگاه تهران مساوی با وزارت علوم است و کارهایی که در اینجا هست، معادل کارهای وزارت علوم محسوب می شود. حتی انتخاب رئیس دانشگاه مستقیماً زیر نظر رئیس جمهور است. ما نمی توانیم ببینیم وضع حجاب و اخلاق در دانشگاه به حالت موجود باشد. از طرف دیگر هم نمی توانیم برخورد چکشی کنیم اما همایش که می توانیم بگذاریم. می شود دانشجویان را دعوت نمود و ارتباط برقرار کرد. اگر این کارها را نکنیم، دانشگاه از دست می رود.

کسی فکر نکند باید جای دیگری برود، همین دانشگاه تهران را اگر دو دستی بچسبید، کل کشور را گرفتید. **نکته دوم:** در همایشها باید حضور افراد بیشتر از کلیپها باشد و این هم مستلزم همکاری است و کار یک نفر نیست. حتماً باید جمع این کارها را بکنند. نکته مهم در همایشها ارتباط گرفتن با مخاطب است. حُسن همایش دوره های رشد در این بود که مخاطبهای جدیدی را جذب کرد و از طرف دیگر نشان داد کلاسهای قرآن باید خروجی داشته باشند. زکات علم نشر آن است و باید همکاری کرد تا متصدیان امر همیشه انگیزه این کارها را داشته باشند. نکته مهم دیگر درباره همایشها اینکه گفتیمان قرآنی در لا به لای الفاظ و فرهنگ واژگان قرآنی، در جامعه یک مرتبه نفوذ پیدا می کند و یکباره می بینیم بعد از چند سال، جامعه از واژگان قرآنی مانند طیب، خیر، حُسن و... استفاده می کند. اگر اینطور شود زمینه برای فهم قرآن خیلی بیشتر فراهم خواهد شد.

نکته سوم: ما همیشه در انتهای هر سال به مسئولین و کادر مدارس پیشنهاد می کنیم که گزارش عملکردی از سال قبل خود حتماً ثبت کنند و در کنار این کار، یک افق و چشم انداز برای سال بعد داشته باشند. یعنی هر مدرسه تخصصی پیش بینی کند سال بعد چه کارهایی می تواند انجام دهد، چند تا کلاس دارد و... افقها باید واقع گرایانه باشند. این امر کم کم به افراد یاد می دهد که گمانه زنی های خود را درست کنند. مثلاً ما قبلاً می گفتیم فلان قدر کلاس می توانیم بگذاریم بعد می دیدیم که نصف آن را توانستیم بگذاریم یا خیلی کارهایی که می خواستیم انجام دهیم، نشد. این یعنی ما در گمانه زنی اشکال داشتیم. با این ثبت، کم کم گمانه زنی ها اصلاح می شود. در سال اخیر در بعضی موارد خیلی پیش رفتیم و در بعضی موارد هم اصلاً پیش نرفتیم. البته خیلی کار انجام شده است که وقتی ثبت شوند، عجیب و غریب خواهد بود.

نکته چهارم: یکی از بحثهایی که باید در آن به تفاهم برسیم این است که آیا باید در عرصه های اجتماعی ورود پیدا کنیم؟ اول باید به این نتیجه برسیم که قرآن خواندن ما باید بروز و ظهور بیرونی داشته باشد یا نباید داشته باشد؟ عجیب است که اگر کسی بگوید من فقط می خواهم برای خودم قرآن بخوانم! بدیهی است که کسی نباید این حرف را بزند! نوعاً کمتر حالت برون گرایی داریم که نقص ایجاد می کند. البته اهالی مدرسه قرآن این نقص را ندارند، این همه کار و در همه جا در حال انجام است. اما باز هم همه اینها پنج درصد ظرفیت مدرسه است. نگاه ساختاری ما بعضی وقتها باید اصلاح شود و به اندازه اصلاح ساختار، ما



می توانیم رشد داشته باشیم. الحمدلله این رشد سال به سال مشهود است. فقط اینکه افراد چند ایراد اساسی دارند که بایستی سعی در برطرف سازی کنند. اول بحث برنامه ریزی است که در برنامه ریزی هم عمده ایرادشان به خاطر عدم تمرکز و عدم اولویت بندی در کارهاست. اینها باید اصلاح شوند و علم آن را هم افراد دارند و فقط عمل می خواهند.

دومین ایراد در وضعیت ساختاری مدرسه قرآن است. ساختارهای مدرسه قرآن خیلی به هم تنیده اند و نوعا هم به طور تعمدی به شکل موازی تعریف شده اند. تا جایی که افراد در مدارس کارهای عمومی انجام می دهند مشکلی نیست که ساختارهای موازی داشته باشند یعنی مثلا همه مدارس بر روی روشهای تدبیر، منظومه رشد و... می توانند کار بکنند، منتها کار اگر خواستند تخصصی شود بایستی تنها توسط مدرسه و متصدی اصلی آن صورت بگیرد. فعلا که هیچ گروهی کار تخصصی نمی کند و همه کارهایشان ترویجی است. پس بنابراین مدیریتهای موازی هیچ منافاتی با یکدیگر ندارد. فقط مشکل این است که اگر در این سیستم آن افرادی که باید تخصصی کار کنند، وجود نداشته باشند، کسان دیگری که نباید راجع به موضوع تخصصی کار کنند، آن بخش را اشغال می کنند. یعنی یک کار تخصصی و پژوهشی به دست افرادی میفتد که نباید بیفتد! در صورتی که اگر آنها وارد کار تخصصی نشوند و افراد تخصصی هم وجود داشته باشد، متخصصان در جای خود قرار می گیرند. البته حدس قریب به یقین مان این است که حوزه های تخصصی فعال خواهند شد. احتمال ۹۰ درصد به بالا می دهیم که حوزه های تخصصی فعال شوند و اتفاقا وقتی مسئله جاگیری صحیح افراد زیاد شود، مجبور می شوند که راه بیفتند!

نکته پنجم: در حال حاضر ۱۴ عنوان مدرسه تخصصی داریم و اگر افراد بخواهند وارد کلیت مدرسه قرآن شوند از این مدارس می توانند ورود کنند. ورود به

این مدارس ممکن است از روی علاقه باشد یا اینکه تصادفی اتفاق بیفتد. کاری که ما باید بکنیم این است که اجازه بدهیم افراد به مدارس و کلاسهای مختلفی که دارند، وارد شوند. هر مدرسه ای برای پر کردن خلأهای تخصصی اش کارگاههای اختصاصی در مدرسه اش بگذارد. بعد از اینکه افراد وارد مدرسه ها شدند، به وسیله کارگاههایی که مدارس می گذارند، جذب کارهای تخصصی خواهند شد. یعنی افراد جدیدالورود مثلا تا سه سال هرکدام می توانند به صورت عمومی در مدارس شناور باشند و مدارس هم با برگزاری کارگاههای تخصصی شان می توانند از مدارس دیگر عضوگیری مجدد کنند تا افراد بر حسب تخصصها جداسازی شوند. به این روش مجموعه قوت بسیاری پیدای می کند.

پس در نتیجه کادر مدارس باید به سمت گذاشتن کارگاههای تخصصی برای خودشان و به صورت اعتکافی و فشرده بروند. اگر خواستند از بیرون مدرسه شان هم دعوت کنند، اشکالی ندارد. باید کارگاههای تخصصی مدرسه ها راه بیفتند. کم شدن کارگاههای تخصصی مدارس به کار تخصصی شان لطمه می زند. زیاد شدن کار تخصصی برای کادر، جذب افراد به آن مدرسه را زیاد می کند. ما ان شاء الله برای این نکات فوق در حال برنامه ریزی هستیم.

نکته ششم و آخر: شاید برایتان باورکردنی نباشد اما بنده بیشتر از آنکه برای کارهای انجام شده، خدا را شکر کنم، برای کارهای انجام نشده خدا را شکر می کنم. هر دو حکمت دارند. شما جنگ تشریف نبردید وگرنه می دیدید که در جنگ اگر فقط کمی زودتر جلو بیایید، خورده اید! مثل شطرنج که یک حرکت اضافی منجر به خوردن می شود.

معلوم است در انجام نشدن های کارهایمان، کسی مراقب است و حفظ می کند. بعضی وقتها بحث هایمان برای ایجاد رویکرد است. وقتی که دارید رویکرد ایجاد می کنید، القاء به عنوان معلم و رو به

شاگردان تاثیر دارد. پس یک بخشی از حرفهایمان بحث رویکردی است، که در رویکردها باید درباره موضوعات برنامه ریزی، اولویت بندی و... صحبت شود و اختلالات را پیدا کنیم. در ادبیات ایجاد رویکرد، مدل صحبت این گونه است که چرا این طور فکر نمی کنید؟ چرا به فلان مسائل دقت نمی کنید؟ و... اما وقتی داریم بروزات افراد را ارزیابی می کنیم فرضمان بر این است او همه کاری که می توانسته کرده است. پس وقتی خود فرد را نگاه می کنیم، از او و عملکردش دفاع می کنیم اما وقتی رویکردها را می گوئیم، نوعا به شکل انتقادی مطرح می شوند. چون در رویکردسازی، فرد باید فکرش تحول پیدا کند و در آن سطح نماند. ولی در کار باید به او القای امید کنیم. همین که فرد بین این خوف و رجاء قرار می گیرد، در باز می شود! خوف باید روی مسائل رویکردی باشد والا فرد مأیوس و افسرده می شود. من مخاطب نیز باید هر روز احتیاج به رویکردهای جدید داشته باشم. ما حق نداریم کسی را به خاطر نوع عملکردش توبیخ کنیم. فرد باید احساس کند در نوع عملکرد بهترین کار را کرده است و بین این دو محور است که حرکت ایجاد می شود. الحمدلله توانمندی دوستان به شدت افزایش پیدا کرده است. شما چون همه با هم هستید و در مجموعه اید، متوجه توانمندی هایتان نمی شوید. کافی است یکی از شما وارد یک مجموعه دیگر بشود یا بفهمد. با تعادل برقرار کردن بین این دو محور خوف و رجاء است که نشاط، فعالیت و امید همراه با پویایی و تحولات سریع در سیستم رخ می دهد. وقتی رویکرد را ارتقاء می دهیم و عمل می کنیم، به طور طبیعی در ابتدای آن، عمل فعلی با رویکرد فاصله زیادی خواهد داشت که باید در این موقعیتهای اصل بی اعتنائی استفاده کرده تا بتوان با امید جلو رفت.

۱. ملاذ الأخیار فی فهم تہذیب الأخبار، ج ۹، ص: ۳۲۴، باب اول، حدیث ۱۱.

یادداشت ادبی

یا ممتحنه امتحنک الله الذی خلقک قبل أن یخلقک...

برگرفته از سوره مبارکه عصر

و خدا شما را به تمام امتحاناتش و تمام آنها آزمود... و در همه امتحانات صبور یافت. شما عصاره ای شدید تا هرکس در هر جای عالم به جریان حق متصل شد، بداند واسطه اتصالش صبر شماست بر هر سختی و فشاری. و هرکس در هر جای عالم تواصی به حق و صبر داشت، بداند از حق و صبری است که شما وصیتش کرده اید.

و هرکس در هر جای عالم توفیق ایمان و عمل صالح داشت، بداند امن، امنیت و صلاح عمل از صبر شماست، در هر عصری از زندگی پر برکتتان. و همه کس در همه جای عالم تنها با اتصال به رشته محبت شما از جرگه خاسران خارج می شوند.



خاطرات من و سوره علق

وقتی آیه «اریت الذی ینهی، عبدا اذا صلی» را قرائت کردم، به یاد خاطره‌ای افتادم. خاطره‌ای از سالهای دور خاطراتی که یکبار برایم اتفاق افتاده اما صدها بار برایم مرور شده و شیرینی‌هایش همیشه بر جانم مانده است؛ خاطرات سفر به مکه و مدینه...

آنجا همه جایش برایم زیبا، جذاب و منحصر به فرد بود، لحظه لحظه‌اش در جانم نشست، آن زمان وقتی از کوه ثور بالا رفتم و به غار حرا رسیدیم، سنگ نوشته سوره‌ی علق را دیدم... علق را و اقرأ را بسیار یاد کردم.

از بالای کوه، در دل شب و در بین الطلوعین، کعبه از دور چون خورشیدی می‌درخشید و خدا را شکر کردم که مسلمانان اکنون دیگر راحت به دور کعبه‌اش

می‌چرخند و نماز می‌گذارند... بی‌هیچ نهی‌ای... اما روزی که به اطراف شهر برای زیارت مساجد سبعه رفته بودیم، اتفاقی دیگر افتاد. درب مساجد پنج‌تن بسته بود و کسی حق نزدیک شدن به آنها را نداشت! در راه برگشت دیدیم دخترخانمی در کنار دیوار مسجد حضرت زهرا (علیها السلام) مقوایی بر زمین گذاشته و مشغول نماز خواندن شده است. ناگهان یکی از شرطه‌های آنجا جلو آمد و با تشر و داد و فریاد مقوا را برداشت و با عباراتی که معنی آن را نمی‌فهمیدم، داد سر داده بود تا مانع از ادامه نماز آن خانم شود. همسرم جلو رفت و تا توانستند مانع شدند تا نماز آن خانم تمام شد، اما همه ما را از آنجا راندند.

حال آن لحظه‌هایم را به یاد دارم اما آن لحظه این آیه‌های مبارک را نمی‌دانستم. این روزها که با این آیات مأنوس شده‌ام، ناگهان جرقه‌ای در ذهنم روشن شد و خاطرات آن سال و آن روزها و آن لحظه از جلوی چشمانم گذشت.

دیدم هنوز هم بعد از سالها از طلوع خورشید اسلام و نبوت، امامت، مصادیق «ارایت الذی ینهی عبدا اذا صلی» بسیار است... هنوز هم «کذب و تولی» بسیار است... هنوز هم «لیطعی» بسیار است... و وای از آن روزی که موی پیشانی‌شان گرفته می‌شود و به آتشی که خود بپا کرده‌اند سپرده می‌شوند. به امید ظهور خورشید مهدویت (عجل الله تعالی فرجه)...

|| اختر دانش ||

سی‌دی محتوای همایش سوره نصر به انتشار رسید

پیشخوان

در این مورد این نکته را می‌توان اضافه کرد که اگر دوستان می‌دانستند حضور ساده آنها در همایش‌ها چه جهاد مهمی است حاضر بودند هر روز همایش باشد و برنامه ثابتشان حضور در آنجا باشد.

دوم: هر همایش افزایش‌دهنده توان علمی و اجرایی افراد هر مدرسه به ویژه کادر و مربیان است و اثر آن با هیچ کلاس و جلسه‌ای قابل قیاس نیست

سوم: از برکات هر همایش تولید کلیپها، متنهای ادبی و سایر محصولات است که برای آموزش تدبیر به مثابه سلاحهای موثر و انبار مهمات می‌تواند باشد.

همایش سوره نصر یکی از این همایش‌ها ان شاء الله بوده است. همایش ۲۶ بهمن ماه برگزار شد و به پایان رسید اما آثار دور از تصور آن در عالم هستی، تجربه به وجود آمده آن، محصولات برجای مانده آن، طرح بدیع آن در نگاه به آموزش تدبیر و تولید و همچنین ثبت آن به شکل سی دی، آن را به چشمه‌ای جاری تبدیل کرد. در این خصوص جا دارد از همه دوستان به ویژه آقای بابازاده که ساعات زیادی را در طراحی سی دی مبذول داشتند، تشکر گردد. اعضای کادر مدرسه حمد نیز چندان با تقدیر و این مناسبات میانه‌ای ندارند و گرنه تواضع و دست مریزاد کمترین چیزی بود که می‌شد به آن عزیزان ابراز کرد.

محتوای همایش سوره مبارکه نصر به صورت سی‌دی تهیه شده و در ویتترین مدرسه قرآن قابل خریداری می‌باشد. این همایش که در بهمن‌ماه ۹۵ برگزار گردید شامل محتواهای ادبی، هنری و رسانه‌ای اعضای مدرسه حمد (هنر، ادب و رسانه قرآن و عترت) می‌باشد که به عنوان خروجی پایان هر ترم خود، همایشی را برگزار می‌کنند. سی‌دی مربوطه شامل تولیدات در قالبهای متن ادبی، داستانها، اشعار، کلیپهای برگرفته از متون ادبی، پوسترها، کلیپهای توضیح ایده‌پردازی پوسترها توسط طراحان، مستندهای اجتماعی، پاورپوینتی در نسبت‌یابی سرودهای انقلابی با ادبیات سوره نصر، مروری بر تدبیر در سوره نصر و سیر مفاهیم آن و همچنین روند آموزشی مدرسه حمد از ارائه سوره تا ایده‌پردازی و برگزاری همایش را شامل می‌شود.

متن ذیل یادداشتی کوتاهی در همین باره و به قلم آقای رجبعلی -مسئول مدرسه حمد- می‌باشد:

برگزاری همایش همیشه به عنوان خروجی مناسب مجمع مدارس مطرح بوده است. سه جنبه با اهمیت در هر همایش وجود دارد؛ اول: ایجاد فضای متبرک قرآنی در بستر جامعه و ارتباط گرفتن با عموم مخاطبان که برکاتش بسیار راهبردی و به خصوص اثرش در فضای دانشگاه دور از تصور است.

فراخوان جمع‌آوری کمکهای نقدی و غیر نقدی ویژه سیل‌زدگان مظلوم استان سیستان و بلوچستان

خیرین محترم جهت رفع محرومیتها و مصایب وارده بر روستاییان سیل‌زده در استان سیستان و بلوچستان می‌توانند کمکهای نقدی خود را به شماره کارت ۰۱۰۲-۱۴۴۷-۲۳۱۴ (به نام هادی ساعدی، بانک مسکن) واریز نمایند و برای تحویل کمکهای غیرنقدی (پتو، پوشاک ساده و گرم، مواد غذایی با ماندگاری بالا و ملزومات اولیه زندگی) به ساختمان مدرسه تبلیغ (خیابان ۱۶ آذر، بالاتر از پورسینا، پلاک ۲۵، جنب مدرسه اهل بیت (علیهم السلام)) مراجعه کنند. همچنین اعضای مدرسه قرآن در صد اعزام گروهی جهادی و ویژه برادران در ایام عید نوروز جهت سازندگی در آن منطقه می‌باشند. جهادگران می‌توانند جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر با شماره تماس ۰۹۱۰۲۰۱۹۷۴۷ ارتباط برقرار نمایند.

